

فی ابدانهم وان تارتعنا ورحم بل یبغی الی زمان انتشار الفناء و
 در این بیان داکتر معارف کرده اند که در این زمان از راه لبین بگذرانی مانند سایر بندگان را فرود
 کما قال النبی صلی الله علیه وسلم ان الله حرم علی الارض ان تأکل
 خبثکم زود بقی صلی الله علیه وسلم که بر سببک الله تعالی و امام کرده است بر زمین آنکه خورد کرد
 الا بقیاء و لما كانت احواله علیه السلام
 انبیا را هرگاه که بود احوال او علیه السلام
 فی زمان الابتلاء و قبله و بعد از غیبه استندت هذه المحكمة
 در زمان ابتلاء پیش از آن و بعد از آن غیبه استند کرده اند این حکمت
 الغیبه الی الکلمة الایومیة اما قبل زمان الابتلاء فان الله تعالی
 غیبه بر وی کلمه ایوسیه اما پیش از زمان ابتلاء پس بر سببک الله تعالی
 عطا من الغیب بلاکسبة مالم یعط احد من المال و البنین و الزهیر
 عطا نمود او را از غیب بلاکسب او چیزی را که عطا کرد کسی را از مال و فرزندان و زراف
 و الضرع و الخول و العبد فشکر و اما فی زمان الابتلاء فلانه
 و شبان و اسبها و دیگران پس شکر کرد و اما در زمان ابتلاء پس بر آن
 كان یصعد له من الاعمال الزاکمة مثل ما یصعد من اهل الارض
 بر او بود صعود کرد برای او از اعمال زاکمه برابر چیزی که صعود میکرد از اهل زمین
 او و فی تقام علیه الیسیس و نبوه و قصد با لاذیه هو ذنوبه و کما فی
 یعنی از جمیع این زمین بر پیش قدم بر او بود الیسیس و در زمان او پس و خدا که در او بود غیر الله تعالی
 یستکبرون ما یعمل و یستکبرونه و كان الله تعالی ینکره فی الملاء
 کرده که کما فی جزایر که در او بود الیسیس بکنند انعم را و بود الله تعالی بی سواد او را در ملا

الاعمال و ینکره فقال الیسیس مع هذه المراهب و التواء و الا لاله التي بها انعم
 اعنی و ذکر سبک او بکف الیسیس با این مراهب و تقوا و الاله که با آنها نعمت دارد
 الله علیه اعماله قلیله فلما کان فی حال الابتلاء و الفقر و صبر و لم یحکم
 الله تعالی بر وی اعمال او فیه از پس الیسیس و در آن عمل در حال ابتلاء و فقر و صبر و در جمیع اینها
 ما یاتی من الاعمال اعظم قدرا و اعلی مکانة فاذن له فی اختیاره ان یتکبر
 بیکه از او در اعمال زاکمه بزرگتر از روی قدر و برتر از روی کمات پس از آن و او بود الیسیس
 و الغیبه مشهوره فی بلائیه فسلط الشیطان علی ما تمی فغان العیون
 و غیبه مشهور است در بار او پس مسلط شد شیطان بر آنچه که تمی شد بر سبب غیبت
 و انقطع الاینها من و خربت الدیاس و یست الا شیخار و الفان و هکت
 و قطع شد نهرا و غراب شد نهرا و خشک شد درختان و غراب و دیگران
 مواشیه و مات من کان بنا نه و بنیه و هجره جل اهله و ذویه کل هذا
 بر او بود و هر قدر که بود از درختان او و درختان او و درختان او و درختان او
 ابتلاء غیبی من عن سبب معهود و موجب منهد فی ملاء سبب
 ابتلاء غیبی است از غیر سبب معهود و بی بریب معهود دردت بکنند
 و بعد غیبه عن اهله و ماله مسه الشیطان بضر فی نفسه من غیوب
 و بعد غیبت از اهل او و مال او پس که در او است شیطان بضر در نفس او از غیبت
 جمعه الایام و الا شقام و تولد الیسیس فی جسمه و غیوب اعضائه
 جسم او آلام و شقام و تولد شد در جسم او و نهانی اعضا او
 و اجزایه فضر بما عرف الشر و لم یخرج و لم یقطع الذکر و الشکر
 و اجزای او پس هر که برای چیزی که دانسته مراد جمع نمود و قطع نکرد ذکر شکر را

فظهرت
 پس ظاهر گشت